

برداشتهای القاعده از افکار جهادی سید قطب

برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب

پس از جریان 11 سپتامبر سال 2001 در آمریکا، در تمام رسانه های جهان سخن از حمله تروریستی گروه اسلام‌گرای افراطی به نام القاعده بود القاعده یک گروه تلفیقی است که استراتژیک خود را از افکار سید قطب و اعتقادات خود را از ابن‌تیمیه اخذ کرده است و امروزه شاهدیم که وهابیت با سوءاستفاده از نظریات قطبی، جوانان عرب را به جنگ و جهاد دعوت می‌کند، ولی با اهدافی خاص که هیچ‌یک با اهداف سید قطب مطابقت ندارد.

مقدمه

پس از جریان 11 سپتامبر سال 2001 در آمریکا، در تمام رسانه‌های جهان سخن از حمله تروریستی گروه اسلام‌گرای افراطی به نام القاعده بود که بعدها بهانه برای حمله آمریکا به افغانستان و عراق و برخی کشورهای دیگر شد که تا به امروز این حملات علیه این گروه در اقصی نقاط جهان ادامه دارد و خون‌های بی‌گناه بسیاری ریخته شد. سؤال جدی این است که پایه و اصول فکری و اعتقادی این گروه چیست و از کجا نشئت می‌گیرد؟ ما با بررسی اجمالی نحوه پدید آمدن القاعده و افکار و مبانی اعتقادی رهبران آن، اثبات خواهیم کرد که منشأ تفکرات و اعتقادات این گروه، سید قطب است که توانست برخی از جوانان عرب را بر ضد غرب، مخصوصاً علیه آمریکا بشوراند. البته افکار سید قطب علت تام نیست و اندیشه‌های سلفیه تکفیری نیز نقش به‌سزایی در شکل‌گیری افکار القاعده در این برهه از زمان داشته است؛ به‌طوری‌که امروزه شاهد حملات انتحاری و جنگ آنان علیه مسلمانان جهان مخصوصاً صوفیان و شیعیان نیز هستیم. القاعده توانست با تلفیق افکار سید قطب و وهابیت، اندیشه تکفیری را سامان دهد و امروزه بسیاری از مدافعان سید قطب با آن مخالفاند. گروه القاعده با سوء استفاده از افکار سید قطب توانست اهداف خود را پیگیری کند.

- اخوان المسلمین پیش‌قراول تفکرات جهادی بعد از مرگ حسن البنا [2] جوانان اخوانی به چاره‌اندیشی برای وضعیت موجود مصر افتادند، تا اینکه در میان جوانان رادیکالیسم اخوانی کتابی به نام *معالم فی الطريق* اثر سید قطب پخش شد که به سرعت مورد توجه قرار گرفت و به‌عنوان کتاب راهبردی مطرح گردید. زندان‌ها و شکنجه‌ها و در نهایت اعدام سید قطب و دوستانش برای رسیدن به این آرمان‌ها، بهترین شاهد و مؤید بود بر اینکه نویسنده *معالم فی الطريق* خود به تمام آنچه در این کتاب نوشته، ایمان دارد و این امر باعث تحریک و ایمان جوانان اخوانی به کتاب و سخنان سید قطب شد. این کتاب پس از انحلال اخوان المسلمین در مصر، بهترین منبع و مرجع میان جوانان اخوانی بود و باعث شد گروه‌هایی چون جماعت الاسلامیه، الهجره و التکفیر و گروه جهاد به‌وجود آید. [3]
- ارکان تفکر جهادی سید قطب

سید قطب مهم‌ترین افکار جهادیش را در کتاب *معالم فی الطريق* خودش بیان کرده و این کتاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که می‌توان به انسجام مطالب به صورت زنجیروار و پیوسته با ادبیاتی بسیار زیبا و جذاب، خارج کردن مطالب عقیدتی از حالت نظری به حالت

عملی و ارائه- پشتیبان‌های مناسب از کتاب، سنت و سیره صحابه برای اثبات مطالب و عقاید خود اشاره کرد. این عوامل باعث شد که هر عرب زبانی به آسانی تفکر جهادی سید قطب را دریابد و از آن تأثیر پذیرد. ما در این مجال به مهم‌ترین ارکان تفکر جهادی وی می‌پردازیم.

الف) جاهلیت قرن بیستم

به نظر وی، این دو جهان یعنی جهان جاهلیت و اسلام کاملاً با هم ناسازگارند و هیچ همزیستی و توافقی بین آنها وجود ندارد. حقیقت یکی است و قابل تقسیم نیست و همه چیز غیر آن، نادرست و الزاماً غلط است و ترکیب حقیقت با باطل امکان‌پذیر نیست. اسلام به معنای اطاعت و تسلیم کامل در برابر خدا و احکام اوست؛ درحالی‌که نظام جاهلی از پرستش خدای یگانه و راه و روش الهی برای زندگی منحرف است. [4]

سید قطب جاهلیت جوامع امروز را به جاهلیت مدرن تعبیر می‌کند و این جوامع را بسیار خطرناک‌تر از دوره جاهلی زمان پیامبر ((صل الله علیه و آله و سلم)) می‌داند. [5] وی مهم‌ترین مشخصه جاهلیت را بندگی بشر برای بشر می‌داند و آن‌قدر این صفت را توسعه می‌دهد که به نظر می‌رسد به جز افراد اندکی، مسلمانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند. وی می‌گوید:

مهم‌ترین صفتی که مشخص‌کننده جاهلیت است، عبارت است از بندگی بشر برای بشر به هر رسم و شیوه‌ای که باشد و همچنین پذیرفتن هوی و هوس به جای خداپرستی و دور ساختن حاکمیت خداوند از زندگی مردم و امور مربوط به مسائل دنیوی آنها و کسانی که چنین وضعیتی دارند، از جاهلیت پیروی می‌کنند؛ هر چند که معترف به وجود خدا باشند یا آن را انکار کنند؛ زیرا وقتی که یکی از صفات خاص ذات خداوند را که همان الوهیت و حاکمیت است، از او بگیرند و به شکل‌های مختلفی آن را برای بشر قائل شوند، در این صورت اگر چه نظام‌ها و اوضاعشان شکل‌های متعددی داشته باشد، ولی باز هم در این صفت اساسی جاهلیت، شریک هستند. بر این اساس اسلام آن را نمی‌پذیرد و حق موجودیت برای آنها قائل نیست. [6]

اگر بپذیریم جامعه معاصر می‌تواند به جاهلیت قبل از اسلام برگردد و مثل آن باشد، پس مسلمانان باید به جامعه جاهلی آن گونه بنگرند که پیامبر اسلام و اصحابش در زمان خود به آن می‌نگریستند؛ مثلاً وقتی که پیامبر ((صل الله علیه و آله و سلم)) خود را در موقعیت ضعیفی می‌دید، تاکتیک کناره‌گیری از جامعه خود و برقراری تماس با جوامع اطراف و سپس هجرت از مکه به مدینه را برگزید و هنگام قدرت، تاکتیک جنگ علیه کفر و فتح جوامع جاهلی را داشت. [7]

ب) تقسیم حکومت‌ها به دارالاسلام و دارالحرب

سید قطب معتقد است که فقط یک دارالاسلام وجود دارد و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می‌شود و مسلمانان یار و دوست یکدیگرند. [8] سید قطب بر این عقیده است که لازم است جامعه‌ای به وجود آوریم که تمام اصول و فرمان‌های اسلام در آن اجرا شود و فقط قانون و شریعت خداوند در آن حاکم و داور باشد و بس. [9] جامعه‌ای دیگر جز این، دارالحرب یا جامعه جاهلی است که به نظر سید قطب عبارت است از تمام جوامع بشری مگر جامعه اسلامی و به عبارتی جوامعی‌اند که بندگی‌شان ویژه پروردگار یگانه نیست. [10] وی در تفسیر خود می‌گوید:

جامعه‌ای که در آن قوانین و فرامین خدای تعالی اجرا نمی‌شود و فقط خداوند بندگی نشود، جامعه جاهلی است [11] و رابطه مسلمانان با آن، یا جنگ و پیکار است یا صلح است، بر مبنای امان دادن و جزیه گرفتن. [12]

ج) عبودیت و حاکمیت

در سراسر کتاب *معالم في الطريق* دو مفهوم وجود دارد: 1. العبودیه؛ 2. الحکمه. اصطلاح عبودیت از ریشه ستایش و عبادت گرفته شده و اصطلاح الحکمه از حکومت و قضاوت کردن است و از نظر سید قطب حکومت و حاکمیتی در یک جامعه اسلامی قانونی و مشروع است که حاکمیت خداوند باشد و به همین ترتیب، موضوع عبادت و پرستش هم فقط باید خداوند باشد. [13] وی با تفسیر معنای «اله» در «لا اله الا الله» می‌خواهد این نکته را بیان کند که در مسائل اعتقادی نیز مهم‌ترین مسئله، مسئله الوهیت و عبودیت است و الوهیت به معنای حاکمیت خداوند تفسیر می‌شود. لذا هیچ حاکمیتی جز حاکمیت خدا و هیچ شریعتی جز شریعت خدا مقبول نیست. وی در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که هیچ‌یک از انسان‌ها نباید بر یکدیگر سلطنت کنند و سلطنت آنها غاصبانه است؛ چرا که سلطنت مخصوص خداوند است. [14]

(د) اسلام آمریکایی و مبارزه با صهیونیسم

یکی از محدود افرادی که از اسلام آمریکایی سخن گفته، سید قطب است. او قائل به دو نوع اسلام بود که یکی را به اسلام راستین و دیگری را به اسلام آمریکایی تعبیر می‌کرد. [15] وی حقد و کینه یهود را دارای سابقه طولانی و از زمان مبعوث شدن پیامبر اسلام ((صل الله علیه و آله و سلم)) می‌داند و با آیاتی از قرآن دشمنی آنها را به اثبات می‌رساند. [16] وی که بارها از خطر یهود و صهیونیسم صحبت کرده و معتقد بود که یهود به فکر سلطه جهانی است و باید همه مردم جهان مخصوصاً مسلمانان مراقب باشند، می‌گوید: «این نویسنده معتقد است که هر جا دعوتی بر خلاف اخلاق و دعوت به بی‌عفتی و فحشا و ربا و جنگ است، دست یهود در کار است» [17]

(ه) جهاد

یکی از موضوعاتی که سید قطب بارها به آن تأکید کرده، تفکری است که در زمان ابن‌تیمیه نظم منطقی و استدلالی به خود گرفت و بر علیه صلیبیان و مغول‌ها که هر کدام بخشی از دارالاسلام را غصب کرده بودند، به کار رفت. [18] سپس ابوالاعلی مودودی (1903-1979) به صورت هوشمندانه آن را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد. نوشته‌های آنها بر سید قطب تأثیر گذاشت و وی نیز آن را در مورد آمریکا و اسرائیل و صهیونیسم به کاربرد. [19] سید قطب جهاد را راهی برای رسیدن به جامعه اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی می‌پنداشت و مسلمان واقعی را کسی می‌دانست که در راه اعتلای اسلام جهاد کند؛ [20] به طوری که وی بعد از تجزیه و تحلیل جامعه اسلامی و جامعه جاهلی در کتاب *معالم في الطريق*، بخشی از کتابش را به عنوان *الجهاد في سبيل الله* اختصاص می‌دهد. او راه رسیدن به حکومت اسلامی و نیز بهترین راه برای مقابله با یهود و صهیونیسم و کفار را فقط جهاد می‌داند و در کتاب *معرکتنا مع اليهود* به این نکته می‌پردازد. [21] وی معتقد بود که مفهوم جهاد را نباید تا حد جنگ دفاعی پایین آورد و یا آن را با مبارزه درونی مؤمن علیه تهدیدها و هوس‌ها محدود کرد و می‌گوید: «اگر چنین فکر کنیم که تنها با حرف و سخن می‌توان به جهاد مبادرت ورزید، به بیراهه و سراب رفته‌ایم». [22] سید قطب به طور ضمنی به تبلیغ اسلام از طریق شمشیر و کتاب اشاره می‌کند و هر دوی آنها را لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می‌خواند. [23] از طرفی دیگر می‌بینیم به طور ضمنی حکم به جهاد علیه استعمار می‌دهد [24] و یا جنگ با نیروهای متجاوز انگلیس و آمریکا و صهیونیسم و فرانسه را که به کشورهای مسلمان مثل فلسطین و کشورهای شمال آفریقا، تجاوز کرده‌اند، واجب می‌داند و از آن به جنگ دفاعی تعبیر می‌کند. [25]

هرایر دکمچیان پایه‌ها و اصول ایدئولوژیک سید قطب را چنین بیان کرده است:

1. سیستم اجتماعی غیر اسلامی، سیستم جاهلیت است.
2. وظیفه مسلمان با ایمان این است که برای تبدیل جامعه جاهلی، از طریق دعوت و جهاد پیکارجویانه به تجدید حیات اسلام بپردازند.
3. تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی به عهده مسلمانان پیشیناز و فداکار است.
4. هدف نهایی باید استقرار حاکمیت خداوند در روی زمین باشد تا به این وسیله تمام گناهان، رنج‌ها و فشارها رفع گردد. [26]

عوامل درون‌متنی کتب سید قطب چون سادگی کلام او و جهت‌دهی جهاد فکری و نظری به جهاد عملی و تحریک جوانان به سمت جهاد ابتدایی، و از طرفی دیگر، عوامل بیرونی چون جنگ علیه رژیم نظامی مصر، [27] استقبال جوانان رادیکالیسم اخوانی از کتب و افکار سید قطب و ایجاد زمینه جهاد علیه کفر که پیش‌قراول آن در سازمان اخوان‌المسلمین با عنوان سازمان مخفی تشکیل یافته بود، توانست زمینه را برای جوانان عرب به سمت جهادگرایی افراطی سوق دهند. سید قطب به جوانان عرب این درس را آموخت که می‌توان برای رساندن صدای خود به حکومت کفر از طریق جهاد و اعمال خشونت‌آمیز اقدام کرد و جهادگرایی باید به‌عنوان یک انقلاب دائمی و جهانی و وسیله‌ای برای مقاومت در برابر اشغال خارجی باشد، [28] لذا پس از انحلال اخوان‌المسلمین در مصر، فعالیت‌ها و تشکیلات دیگر اخوان‌المسلمین در کشورهای دیگر تعطیل نشد بلکه باعث شد، اولاً، اخوان‌المسلمین از مصر به سوریه انتقال یابد [29] و سیاست خود را علیه امپریالیسم و استعمار و کمونیسم ادامه داد. [30] ثانیاً، گروه‌های افراطی چون سازمان جماعت‌المسلمین یا همان سازمان «التکفیر و الهجرة» به رهبری شکر مصطفی و یا سازمان جماعات الاسلامیه و یا گروه «الجهاد» به رهبری عبدالسلام فرج که بیشتر متأثر از فکر سید قطب بودند، به‌وجود آمدند. [31]

• عوامل شکل‌گیری القاعده
در سال 1979م، زمانی که کشور کمونیست شوروی وارد کشور مسلمان افغانستان شد، [32] ابتدا این نبرد صرفاً جهاد افغانی بود که رهبری آن را عبدالرسول سیاف، گلبدین حکمتیار، برهان‌الدین ربانی و احمد شاه مسعود بر عهده داشتند، اما این شروع آهسته جهاد، به محض انطباق منافع مجاهدین افغان با ایالات متحده و کشورهای محافظه‌کار عرب چون عربستان و قطر و کویت در آزادی کشورشان از کمونیست‌ها سرعت بیشتری گرفت [33] و این زمینه‌ای برای تشکیل سازمان القاعده شد.

عبدالله عزّام که یکی از عالمان و سخنرانان توانمند سلفی بود و از عربستان به پاکستان مهاجرت کرده بود و مسلمانان را به جهاد تشویق می‌کرد، به انتشار مجله جهاد در سال 1984 و نوشتن کتاب‌هایی در این باره به نام دفاع از سرزمین‌های اسلامی و الحاق به کاروان پرداخت که موضوع اصلی این کتاب‌ها فراخوان مسلمانان جهان به جهاد در افغانستان بود و اینکه جهاد وظیفه هر فرد مسلمان است. [34] این امور او را به این واقعیت نزدیک می‌کند که وی متأثر از افکار ابن‌تیمیه و سید قطب بوده است. [35] عبدالله عزّام با کمک اسامه بن‌لادن در اوایل دهه هشتاد مکتبه الخدمه را تأسیس کرد. [36] نقش دوم اسامه زمانی شکل گرفت که از عبدالله عزّام فاصله گرفت و در میانه سال‌های 1986 و 1987 در نزدیک پادگان شوروی‌ها در شرق افغانستان پایگاهی به نام المأسده یا همان کمین‌گاه شیران برای خود تأسیس کرد. [37] در پی پیروزی‌های وی در سال 1987، مطبوعات به وی عنوان مبارز پارسا دادند و موجبات شهرت او را فراهم کردند. [38] القاعده در پایان دهه 1980 و به طور مشخص در سال 1988 تأسیس شد که هدفش براندازی نظام‌های کمونیستی و عربی و نیز به دنبال تأسیس خلافت اسلامی بود. [39]

افرادی که نقش زیادی در تأسیس القاعده داشتند، عبارت‌اند از: ابویوب عراقی، ابوالفرج یمنی، ایمن الظواهری، دکتر فضل مصری، ابوبرهان الکبیر، ابوالحفص مصری، ابومصعب مصری و عزالدین. [40]

با بررسی فرایند تشکیل القاعده و حضور آن در منطقه و اهداف آن می‌توان به نکاتی از جمله متأثر بودن این گروه از افکار سید قطب اشاره کرد. پیترا ل برگن، تحلیلگر سیاسی و گزارشگر سی.ان.ان، معتقد است که تأسیس القاعده محصول جدایی بن‌لادن از عبدالله عزّام و آشنایی وی با ایمن الظواهری است؛ چرا که عزّام از ماهیت جهاد بر اساس بنیادگرایی سنتی حمایت می‌کرد، ولی ایمن الظواهری و مبارزان مصری از مفهومی افراطی‌تر حمایت می‌کردند. آنها قائل به سرنگونی توأم با خشونت حکومت‌های جهان اسلام شدند که از نظر آنها کافر و مرتد بودند، ولی عزّام و یارانش این مفهوم را رد می‌کردند؛ چرا که نمی‌خواستند میان مسلمانان برخوردی پیش آید. [41]

برای اثبات تأثیرپذیری القاعده از افکار سید قطب، ما این بحث را در سه محور اساسی (مجاهدین عرب، رهبران القاعده، اهداف القاعده) بررسی کرده‌ایم که با بررسی هر محور به خوبی می‌توان ارتباط القاعده را با افکار سید قطب فهمید و باید این نکته نیز مورد توجه قرار گیرد که تمام افکار القاعده محصول افکار سید قطب نیست و می‌توان تأثیرگذاری افکار ابن-تیمیه را در القاعده به روشنی دید که بررسی آن از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین بایستی تفکر القاعده را تلفیقی از افکار جهادی سید قطب و افکار سلفی وهابی دانست.

1. مجاهدین عرب

افرادی که از کشورهای عربی به منظور حمایت از کشور مسلمان افغانستان و جنگ علیه کمونیست وارد این کشور شدند، به مجاهدین عرب معروف بودند که پس از پایان یافتن جهاد در افغانستان و همزمان با مراجعت مجاهدین به کشورهای خود، اسامه بن‌لادن به منظور استفاده از آنها در کشورهای مختلف و برای ایجاد ارتش اسلامی برای مقابله با حکام مفسد و تشکیل حکومت اسلامی، آنها را تحت گروهی به نام «القاعده» سازمان داد. القاعده را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: 1. تشکیلات جهانی اخوان المسلمین؛ 2. سپاهیان توحید در عربستان؛ 3. گروه جهیمان العتیبی در عربستان؛ 4. سنی‌های بعثی در عراق. [42]

اینکه آیا همه مجاهدین عرب تحت تأثیر یک تفکر (قطبی) یا چند تفکر (قطبی و وهابی) قرار گرفته‌اند و یا اینکه حتی متأثر از افراد و یا گروهی بوده‌اند، خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که از حوصله این مقاله خارج است، ولی آنچه مسلم است، اینکه بسیاری از مجاهدان عربی که از سوی اخوان المسلمین برای جهاد به سمت افغانستان حرکت کرده بودند، برخاسته از گروه جهادی مصر و متأثر از افکار سید قطب بوده‌اند؛ [43] به‌طوری‌که در یک سند مهم که از نخستین دقایق تأسیس القاعده حکایت دارد، به گروه الجهاد اشاره شده و آمده: «اما برادران مصری ما؛ آنها در تیره‌ترین شرایط در کنار ما بودند و این چیزی نیست که بتوان آن را فراموش کرد». [44] شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دهه 80 پس از ترور سادات در کشور مصر، دیگر جایی برای فعالیت مجاهدین در مصر نبود. لذا می‌بینیم افراد مهمی چون ایمن الظواهری و قبل از او سید امام مشهور به عبدالقادر بن‌عبدالعزیز و مهندس محمد برادر ایمن الظواهری، از جمله کسانی بودند که به افغانستان مهاجرت کردند. [45]

اخوان المسلمین که به یک سازمان جهانی تبدیل شده و بسیاری از گروه‌ها را در سرتاسر جهان تحت تأثیر خود قرار داده بود، در الجزایر نیز مجاهدان جنبش مصطفی بویعلی معروف به جنبش اسلامی را مسلح کرد و در تلاش اولیه در سال 1982 برای براندازی نظام حکومتی

ناکام ماند و با کشته شدن بویعلی در سال 1987 کار این جنبش پایان یافت و بیشتر اعضای آن دستگیر شدند یا به افغانستان مهاجرت کردند. بیشتر اعضای این جنبش با شاخه محلی اخوان المسلمین به رهبری شیخ محفوظ نحات مرتبط بودند و وی نیز در انتقال آنها به افغانستان مشارکت فعالانه‌ای داشت. مجاهدان سوری نیز در نیمه اول دهه 80 بر اثر وقایع حماه و ریشه‌کنی انتفاضه اخوان و پیشگامان مقاتله، شکست سختی خوردند و تلاش‌هایشان برای بازگشت به سوریه ناکام ماند. لذا در سال 1988 به افغانستان رفتند که ابومصعب سوری یکی از آنهاست. مجاهدین لیبیایی نیز از این قاعده مستثنا نبودند و بیشتر آنها در سال‌های 86-89 بر ضد نظام فعالیت کرده و بارها با نیروهای امنیتی درگیر شده بودند و دولت‌مردان لیبیایی با زندانی کردن آنها جواب سختی به آنان دادند و فهمیدند که هنوز وقت جهاد نرسیده است. لذا به افغانستان مهاجرت کردند.[46]

بنابراین مجاهدین عرب غالباً از گروه‌هایی بودند که این گروه‌ها از سازمان اخوان المسلمین متأثر بودند و پس از شکست خوردن طرح‌ها و برنامه‌هایشان به افغانستان مهاجرت می‌کردند. پس از مهاجرت جوانان عرب به افغانستان، گروه‌های فعال دیگری چون اخوان المسلمین مصر و الجهاد و برخی از علمای سلفی وهابی سعی کردند افکارشان را میان افغان‌های عرب منتشر کنند تا بتوانند از میان آنها کسانی را که تا کنون سازمان‌دهی نشده و خالی از هر گونه پشتوانه فکری بودند، صید کنند. در رأس این گروه‌ها، گروه‌های الجماعت و الجهاد مصر قرار داشتند که خط مشی خود را از کتاب‌های سید قطب و عبدالسلام فرج گرفته بودند. این دو گروه گروهی به نام جماعه الجهاد تشکیل دادند و کتاب امیرشان دکتر سید امام شریف را با عنوان //عمده فی اعداد// عمده منتشر کردند که این کتاب به عنوان مرجعی اساسی در بین اردوگاه‌ها توزیع و تدریس می‌شد.[47]

2. رهبران القاعده

رهبران این گروه غالباً متأثر از افکار و اندیشه‌های سید قطب بودند. اسامه بن‌لادن که شخص اول القاعده و رهبر اصلی آن محسوب می‌شد، در ابتدا متأثر از پدرش محمد بود و او را بسیار دوست می‌داشت و الگوی خود قرار می‌داد. در ده سالگی پدرش را از دست داد. پدرش فوق‌العاده ضداسرائیلی و ضد یهودی بود؛ زیرا اعتقاد داشت که فلسطین متعلق به اعراب است.[48] جمال خلیفه، دوست هم-دانشگاهی بن‌لادن، می‌گوید که بن‌لادن از دوران دانش‌آموزی آثار سید قطب را می‌خواند. همچنین می‌گوید: کتاب‌های سید قطب (نقاط عطف و در سایه قرآن) را می‌خواندیم. محمد قطب برادر سید قطب که در اواخر دهه 1970 استاد دانشگاه ملک عبدالعزیز بود، معمولاً خطابه‌هایی به من و بن‌لادن می‌داد.[49]

تغییر رویکرد بن‌لادن پس از جدایی از عبدالله عزّام و آشنایی با ایمن الظواهری، می‌تواند خود سندی محکم در تأثیرپذیری بن‌لادن از سید قطب باشد؛ به‌طوری‌که طبق اسنادی که در نخستین لحظات تشکیل القاعده منتشر شد، بن‌لادن ضمن مخالفت با عبدالله عزّام تشکیل القاعده را مورد علاقه برادران مصری خود (یعنی گروه الجهاد و ایمن الظواهری) می‌داند.[50] با بررسی کلمات و سخنان وی به روشنی می‌توان نشانه‌های تأثیر افکار سید قطب را دید. وی با صراحت به کلام سید قطب اشاره می‌کند و می‌گوید: باید اسلام محمد((صل الله علیه و آله و سلم)) در تمام زمین حاکم شود، نه اینکه در شعائر تعبدی باقی بماند.[51] وی با اشاره به آزادی فلسطین و غلبه بر یهود، پیروزی را از آن اسلام و مسلمان‌ها می‌داند.[52] وی همچنین کتاب مفاهیم التی ینبغی أن تصحح اثر محمد قطب را یکی از بهترین کتاب‌های عصر حاضر می‌خواند.[53]

الظواهری دومین رهبر القاعده از نظر رتبه به شمار می‌آید. وی در شرح حال خود در سال 2001 تحت عنوان «سلحشوران زیر پرچم پیامبر» روشن‌اندیشی خود را مدیون سید قطب می‌داند. [54] وی در برخی از کلماتش برای کسانی که راه سید قطب را زنده نگه داشته‌اند، درود می‌فرستد و می‌گوید: قبل از اعدام سید قطب درخواست کردند که طلب عفو کند، ولی او در جواب گفت: انگشتانی که به وحدانیت خداوند در هر نماز شهادت داده‌اند، طلب رحم از ظالم نمی‌کنند. سید قطب به عالم درباری که از طرف حکومت موظف بود تا وی را قبل از اعدام تلقین دهد، گفت: تو از غیر خدا اطاعت می‌کنی، ولی ما در راه خدا می‌میریم. [55] این عمل سید قطب باعث تشکیل قانون اساسی و منهجی شد تا بنیادگرایان مبادی قوانین خود را دوباره مورد بررسی قرار دهند. [56]

ایمن الظواهری در بخشی دیگر از کلماتش سید قطب را شهید اسلام و خواندن کتاب فی ظلال القرآن وی را باعث شفای انسان از مرض و تاریکی می‌داند. [57] وی از سید قطب نقل می‌کند که سید قطب بر جایگاه توحید در اسلام تأکید می‌کرد و توحید را معیار بین اسلام و کفر می‌داند و قائل بود که باید حکم و قوانین حاکم و سلطان، بر مدار توحید باشد. آثار این کلمات در شناخت حرکت اسلامی برای دشمنان اسلام و کسانی که اسلام برای آنها تهدید به‌شمار می‌رود، روشن بود و شناخت اسلام باعث می‌شود دریابیم خطر برخی از دشمنان داخلی کمتر از دشمنان خارجی نیست؛ چرا که این گروه‌ها افراد اجیر شده دشمنان خارجی‌اند تا در پشت سر آنها خود را مخفی کنند و به اسلام ضربه بزنند. [58]

ایمن الظواهری تأکید داشت گرچه عبدالناصر توانست سید قطب و یارانش را سرکوب کند، ولی هرگز نتوانست از تأثیر افکار سید قطب در میان جوانان مسلمان جلوگیری کند. [59] ایمن الظواهری که رهبر گروه جماعة الجهاد مصر در سال 1993 بود، در سال 1998 با بن‌لادن ائتلاف کرد و جبهه واحدی به نام «جبهه جهانی اسلامی» را تشکیل دادند. [60] منتصر الزیات و وکیل ظواهری معتقدند که ایمن الظواهری نقشی کلیدی در سازمان القاعده داشت؛ به‌طوری‌که تحول فکری بن‌لادن پس از آشنایی‌اش با ظواهری آغاز شد. او در سال 1986 نخستین بار با ظواهری در پیشاور ملاقات کرد و به تدریج از یک سلفی صرف به یک سلفی رادیکال و دارای اندیشه‌های جهادی تبدیل شد. [61]

3. اعتقادات و اهداف القاعده

دین از نگاه القاعده یک نظام ساده و حقوقی است که خداوند وضع کرده است تا انسان‌ها با اجرای اوامر خداوند بتوانند علاوه بر نجات خود از عذاب اخروی، پاداش شایسته‌ای نیز در بهشت کسب کنند. آنها بر این عقیده‌اند که اگر انسان‌ها به قوانین خداوند با تفسیر سلفی و وهابی عمل کنند، می‌توانند در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشند. آنها معتقدند کسب رضایت خداوند که پادشاه جهان است، به سادگی به دست نمی‌آید و بسیاری مواقع رسیدن به این مرحله بدون جان‌فشانی‌ها و خون‌فشانی‌ها میسر نخواهد شد. لذا عنصر جهاد در تفکر القاعده اهمیت بسیار بالایی دارد و کارآمدترین ابزار و مهم‌ترین ایدئولوژی آنها به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که رهبران القاعده آن را از سایر عبادات دینی چون نماز و روزه و حج مهم‌تر می‌دانند. آنها معتقدند مسلمانانی که در عمل و نظر به جهاد نپرداخته‌اند، اسلام را درک نکرده‌اند. [62] بن‌لادن نجات و سعادت انسان‌ها را در دنیا و آخرت، عمل به اسلام و جهاد در راه خدا می‌داند [63] و به‌همین جهت بود که در فوریه سال 1998 بن‌لادن به نام جبهه جهانی اسلام اعلام جهاد کرد و حکم جنگ مقدس علیه مرتدان را صادر کرد و به یارانش دستور داد تا مردم آمریکا و متحدانش را بکشند. [64]

مطابق ایدئولوژی القاعده اعتقاد یا عدم اعتقاد، مرز میان انسان‌ها را مشخص می‌کند [65] که هر کس پیرو مکتب فکری آنان باشد، دوست و مسلمان، و اگر مخالف آن باشد دشمن و کافر خوانده می‌شود، آنها سعی کردند با تفسیرهای خاص از برخی مفاهیم دینی مانند جهاد و شهادت، ایدئولوژی خود را برای مبارزه کارآمد کنند. [66] ایمن الظواهری در کتاب خود می‌نویسد:

حاکمان اسلامی هم به دستورات و شریعت الهی پشت پا زده‌اند و با یهودیان و مسیحیان دوست شده‌اند... آنها به رغم ادعای مسلمان بودنشان، بیش از سایر گروه‌ها از عقیده تولا و تبرا دور افتاده‌اند.

خطر این گروه برای امت اسلام به قدری وسعت یافته که بزرگ‌ترین عامل انحراف امت اسلامی از عقیده خود به حساب می‌آید وی اهل سنت را به چند گروه تقسیم می‌کند: 1. عامه: آنها اکثریتی حاضر و ساکت‌اند. 2. علما و نخبگان. 3. اخوان: وی به شدت اخوانی‌ها را مورد حمله قرار می‌دهد و آنها را افرادی سیاسی و زیرک می‌خواند که می‌خواهند با فریب دادن جوانان برای خود حکومت بسازند. 4. مجاهدان: مجاهدان را مخلصان اهل سنت و عصاره بهترین‌های سرزمین اهل سنت می‌داند. 5. مهاجرین: آنها نیز مسلمانان واقعی‌اند، اگرچه تعدادشان بسیار اندک است. [67]

القاعده با استفاده از واژه‌های توحید و طاغوت، بیشتر مسلمانان را تکفیر می‌کند. ایمن الظواهری می‌گوید:

شما فکر می‌کنید که عبادت تنها نماز و روزه و زکات است، اما من به شما می‌گویم عبادت آن‌گونه که شما درک محدودی از آن دارید نیست، بلکه گسترده‌تر و فراگیرتر است. کلمه توحید که خداوند خلق را برای آن آفرید و پیامبر فرستاد و کتاب برای آن نازل کرد، عبارت است از کلمه «لااله الا الله» که به دو بخش تقسیم می‌شود: 1. بخش نفی که هیچ معبودی به جز خداوند نیست که الوهیت از غیر خدا نفی می‌شود. 2. بخش اثباتی: همان «الا الله» است که الوهیت را فقط برای خداوند اثبات می‌کند و اینکه در تمام امور کوچک و بزرگ غیر از او اطاعت نشود... . طاغوت در لغت به معنای این است که هر چیزی از حد خود بگذرد و در اصطلاح یعنی هر چیز غیر از خداوند که عبادت شود. طاغوت شکل‌های گوناگونی دارد: گاهی بت است، گاهی قبر و گاهی قانون و... همان‌طور که ابن تیمیه می‌گوید: شخصی که دانشی را که از کتاب خدا و رسولش فهمیده می‌شود، ترک کند و از حکم حاکمی که مخالف حکم خدا و رسول اوست، اطاعت کند، مرتد و کافر در دنیا و آخرت و مستحق مجازات است. [68]

زرقاوی نیز چون سید قطب، توحید را از دو قسم «لااله» و «الا الله» می‌داند و سپس طاغوت را در معنای اصطلاحی، به هر چیزی تعریف می‌کند که به غیر خدا پرستش شود و در ادامه به اشکال مختلف آن اشاره می‌کند و می‌گوید: در جاهلیت اول مردم بت می‌پرستیدند و برای قبور و خدایان دروغین خود ذبح می‌کردند، ولی در عصر حاضر مردم همان خدایان را می‌پرستند و فقط شکل آنها با یکدیگر فرق کرده است. [69] از نگاه آنان عواملی همچون 1. کمک به کافر، 2. ناسزاگویی به صحابه پیامبر مخصوصاً به ابوبکر و عمر و عایشه، 3. وضع قانون، 4. گونه‌هایی از احترام به علما، مردگان و شخصیت‌ها، 5. تن دادن به حکومت کافران و ترس و بی‌غیرتی در برابر آنها، موجب کفر است. [70]

مبارزه با غرب و آمریکا، یکی از دغدغه‌های القاعده به شمار می‌رفت و همواره بن‌لادن از کسانی که به دنبال یک راهکار سیاسی برای حل مسائل با اروپا و غرب می‌گشتند، انتقاد می‌کرد و معتقد بود که مرگ بهتر از زندگی در اروپاست و یا ایمن الظواهری نیز بسیار نگران بود

که فرزندان مجاهدان تحت تأثیر زندگی اروپایی قرار گیرند. [71] اسامه بن‌لادن درباره آمریکا می‌گوید: اگرچه آمریکا یک دولت بزرگ و صاحب ارتش نیرومندی است و دارای اقتصادی جهانی است، اما نقاطی شکننده‌ای دارد که باهدف قرار دادن آن نقاط ضعیف، ما می‌توانیم آن را از قدرت جهانی ساقط و ظلمش را خاموش کنیم. [72] و یا ایمن الظواهری در نامه‌ای به شیخ حسن ترکی می‌نویسد: در آمریکایی‌ها هیچ خیری نیست و هدف ما از اینکه در کنار هم تحت سازمان القاعده جمع شده‌ایم، جهاد علیه دشمنان است. [73]

بن‌لادن در نامه‌ای به تاریخ 1415/07/17، بن‌باز، عالم سلفی عربستان، را که فتوای صلح با آمریکا را می‌دهد، نصیحت می‌کند و آمریکا را کشور طاغوت می‌نامد و حکام آن را مرتد و کافر می‌خواند و به عواقب چنین فتوایی هشدار می‌دهد. [74]

از سخنان یادشده و بسیاری از شواهد دیگر، به خوبی واضح می‌گردد که رهبران القاعده به پیروی از سید قطب با استفاده از تعبیری چون توحید و طاغوت و جاهلیت، بسیاری از حکومت‌ها را غیر مشروع می‌خوانند. از طرفی دیگر، دشمن اسلام را در مرحله اول آمریکا و صهیونیسم می‌دانند و سعی می‌کنند با ترجمه‌های متفاوت، یگانه راه مقابله با آنها را جهاد معرفی کنند.

در دیدگاه القاعده فقه پویا همان فقه جهادی و عمل‌گراست. لذا زرقاوی به نقل از سید قطب می‌گوید:

شکوفایی فقه اسلامی تنها در عرصه حرکت و فعالیت صورت می‌گیرد و نباید آن را از فقهی که هنگام پویایی و حرکت جامعه در گوشه‌ای نشسته، انتظار داشت. در این زمانه کسانی که سر در کتاب و دفتر دارند و برای استنباط احکام فقهی از آن منابع می‌کوشند و بر آن‌اند تا با استفاده از این احکام به تجدید فقه اسلامی بپردازند و از فعالیت‌های عملی دور بمانند، در حقیقت ماهیت و هویت این دین را نشناخته‌اند و در شناسایی فقه دین عاجزند. آنها عقاید را به‌گونه‌ای درهم آمیخته‌اند که بتوانند به بدترین شکل به افسارگسیختگی، وابستگی، و فساد و غارت حاکم مرتد و خارج از شریعت، مشروعیت دهند. [75]

باید توجه داشت که همه رهبران القاعده تفکر واحدی نداشتند؛ مثلاً زرقاوی تفکری خشنونت‌آمیز داشت و اولویت را جنگ بر علیه شیعیان می‌دانست، بر خلاف ظواهری که اولویت را به پیکار با آمریکا و غرب می‌داد و یا زرقاوی تمام حکومت‌های عربی را بدون استثنا کافر می‌خواند، اما بن‌لادن برخی از کشورها به خصوص عربستان را در مراحل آغازین استثنا می‌کرد، [76] ولی درعین‌حال سازمان القاعده دارای برنامه‌ای واحد و بلندمدت بود و همواره چهار هدف کلی را برای فعالیت‌های خود مطرح می‌کرد: 1. آمریکا بزرگ‌ترین مانع برای تشکیل حکومت اسلامی است؛ لذا باید نابود شود. 2. سرنگون کردن رژیم‌های کفرآمیز و دنباله‌رو آمریکا در خاورمیانه. 3. نابودی دولت یهود در اسرائیل و جایگزینی آن با یک دولت مسلمان در فلسطین. 4. القاعده خواهان برقراری نظم اسلامی در جهان است که این کار به دست بنیادگرایان صورت گیرد و تحت رهبری یک خلیفه باشد. [77] در نهایت برنامه‌های آنها در جهت تشکیل یک حکومت اسلامی و به تعبیر سید قطب دارالاسلام بود. به‌همین دلیل سعی می‌کردند در مقابل جامعه جاهلی یا دارالحرب بایستند و با آنها مبارزه کنند.

•

نتیجه

با توجه به فضا و شرایطی که برای اخوان المسلمین مصر به‌وجود آمده بود، مرگ سید قطب باعث شد که کتب و افکار وی مورد توجه بسیاری از جوانان رادیکال اخوانی قرار بگیرد؛ به‌طوری‌که کتب وی را مرجع برنامه‌های خود قرار دادند و اندیشه‌هایش باعث به‌وجود آمدن

گروه‌های مختلف جهادی و تکفیری از درون اخوان شد. حمله شوروی به کشور افغانستان بهانه‌ای شد تا مجاهدین عرب گرد هم آیند و بن‌لادن آنها را تحت سازمان واحدی به نام القاعده قرار داد. آموزش‌هایی که مجاهدین عرب در دوره‌های آموزشی می‌دیدند و تعلیماتی که آنها از گروه الجماعت و الجهاد می‌آموختند، القاعده را به سمت افکار سید قطب سوق می‌داد و از طرفی، رهبران القاعده چون بن‌لادن و ایمن الظواهری متأثر از افکار سید قطب بودند. لذا هنگامی که به اعتقادات و اهداف القاعده نظر می‌کنیم، به روشنی می‌توان به این نتیجه رسید که این سازمان با برداشت‌هایی که از افکار سید قطب داشته، توانسته اهداف و مبانی را برای خود ترسیم کند، با اینکه ممکن است از نظر اعتقادی یا فقهی با سید قطب اختلاف نظر بسیار داشته باشند.

* پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت (علیهم السلام) و کارشناسی ارشد مؤسسه مذاهب اسلامی.

ma556261@gmail.com

- [1]. عبدالرحیم علی، حلف الارهاب، ج 1، ص 22.
- [2]. وی رهبر اخوان المسلمین مصر بود که در سال 1928 با برخی از برادران و دوستان خود این گروه را تشکیل دادند. شغلش معلمی بود و مواضع معتدلی داشت و سعی می‌کرد که از خشونت و زور بپرهیزد.
- [3]. برای اطلاع بیشتر به کتاب پیامبر و فرعون نوشته ژیل کوپل رجوع شود.
- [4]. سید قطب، ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، ص 130-137.
- [5]. همو، معالم فی الطريق، ص 83.
- [6]. همو، مبانی تفکر اسلامی، ص 31.
- [7]. ژیل کوپل، پیامبر و فرعون، ص 46.
- [8]. سید قطب، معالم فی الطريق، ص 247.
- [9]. همان، ص 261 و 194؛ همو، تفسیر فی ظلال القرآن، ج 2، ص 407.
- [10]. همو، معالم فی الطريق، ص 169.
- [11]. همو، فی ظلال القرآن، ج 4، ص 18.
- [12]. مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، ص 7.
- [13]. ژیل کوپل، پیشین، ص 62.
- [14]. سید قطب، پیشین، ص 25.
- [15]. همان، ص 102.
- [16]. همو، معرکتنا مع اليهود، ص 30.
- [17]. همو، ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، ص 386.
- [18]. برگرفته از مقاله مهدی بخشی شیخ احمد، «جهاد از ابن‌تیمیه تا القاعده»، مجله راهبرد، ش 39، بهار 1385، ص 195؛ ابوالاعلی مودودی، نظام سیاسی اسلام، علی رفیعی، تایپ قدس، 1359، ص 63.
- [19]. همان، ص 197.
- [20]. سید قطب، ما چه می‌گوییم، ص 37.
- [21]. همو، معرکتنا مع اليهود، ص 56.
- [22]. همو، معالم فی الطريق، ص 60.
- [23]. همان، ص 62.
- [24]. همو، عدالت اجتماعی در اسلام، ص 27.
- [25]. همو، ما چه می‌گوئیم، ص 114.
- [26]. دکمجیان، هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص 167.
- [27]. خواجه سروی، غلامرضا، بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی، ص 32.

- [28]. همان، ص35.
- [29]. الحسینی، اسحاق، *اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی*، ص267.
- [30]. همان، ص268.
- [31]: ژیل کوپل، پیشین، ص234.
- [32]: برگن، پیترا، *اسامه بن لادن*، ص71.
- [33]. کمیل طویل، *القاعده و خواهرانش*، ص34.
- [34]. مستقیمی، بهرام، «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده»، *فصلنامه سیاست*، ص345.
- [35]. عبدالله عزّام خود گفته که من در فکر از سید قطب، در فقه از نووی، در عقاید از ابن تیمیه و در روح از ابن قیم تأثیر پذیرفته‌ام (عبدالرحیم علی، پیشین، ج1، ص22).
- [36]. امیدی، یدالله، *القاعده*، ص22.
- [37]. ر.ک: برگن، پیترا، پیشین، ص96-100.
- [38]. همان، ص108.
- [39]. کمیل طویل، پیشین، ص61.
- [40]. همان، ص64.
- [41]. برگن، پیترا، پیشین، ص127.
- [42]. برگرفته از مجله *راه‌نما*، ماهنامه مطالعات بین الملل و تروریسم، ص13: www.rah-nama.ir
- [43]. برگن، پیترا، پیشین، ص116.
- [44]. همان، ص133.
- [45]. کمیل طویل، پیشین، ص65.
- [46]. همان، ص75.
- [47]. همان، ص80.
- [48]. برگن، پیترا، پیشین، ص51.
- [49]. همان، ص64.
- [50]. همان، ص132.
- [51]. بن لادن، اسامه، *توجيهات المنهجية*، ج1، ص4.
- [52]. همان، ج2، ص5؛ بن لادن، اسامه، *ارشيف جامع الكلمات و خطابات شيخ اسامه*، ص103.
- [53]. همان، ص196.
- [54]. برگن، پیترا، پیشین، ص65.
- [55]. الطواهری، ایمن، *نخبة الاعلام الجهادی، الكتاب الجامع لكلمات و رسائل الشيخ*، ص67 و 314.
- [56]. عبدالرحیم علی، پیشین، ج3، ص14.
- [57]. الطواهری، ایمن، پیشین، ص138.
- [58]. عبدالرحیم علی، پیشین، ج3، ص14.
- [59]. همان، ج3، ص15.
- [60]. کمیل طویل، پیشین، ص396.
- [61]. اسماعیل، حمیدرضا، *القاعده از پندار تا پدیدار*، ص63.
- [62]. زرقاوی، ابی‌مصعب، *کلمات المضيئه*، ص214.
- [63]. بن لادن، اسامه، پیشین، ص199.
- [64]. مستقیمی، بهرام، پیشین، ص348.
- [65]. همان طور که سید قطب فصل نهم کتاب *المعالم فی الطريق* خود را به همین موضوع اختصاص داده و اثبات کرده است که عقیده ملاک و مرز انسان‌هاست.
- [66]. اسماعیلی، حمیدرضا، پیشین، ص94.

- [67]. ظواهری، ایمن، *الولاء البراء، عقيدة منقولة و واقع مفقود*، ص 71.
- [68]. همان، ص 6 (شبهه این کلمات در کتاب *معالم فی الطريق* سید قطب در فصل دوم آمده که به تفسیر معنای لاله الااله می پردازد).
- [69]. زرقاوی، ابی مصعب، پیشین، ص 7.
- [70]. همان، ص 495.
- [71]. عطوان، عبدالباری، *القاعده، تنظیم السری*، ص 273.
- [72]. بن لادن، اسامه، *ارشیف جامع الکلمات و خطابات شیخ اسامه*، ص 116.
- [73]. ظواهری، ایمن، *نخبة الاعلام الجهادی، الکتاب الجامع لکلمات و رسائل الشیخ*، ص 51 و یا به ص 552 همین کتاب رجوع شود که درباره امریکا از وی سؤال کرده‌اند و جواب داده است و ادعا می‌کند که هیچ خیری در آمریکا و صهیونیست نیست.
- [74]. الازدی، ابی جندل، *اسامه بن لادن مجدد الزمان*، ص 170. برگرفته از *منبر و التوحید*.
- [75]. زرقاوی، ابی مصعب، پیشین، ص 229.
- [76]. اسماعیلی، حمیدرضا، پیشین، ص 120.
- [77]. *مجله راه نما*، ص 14.

منابع:

1. ابراهیم محمد و دیگران: *اخوان المسلمین مصر*، تهران: اندیشه سازان، 1384 ش. 2. ازدی، ابی جندل: *اسامه بن لادن مجدد الزمان*، برگرفته از *توحید و منبر*. 3. «از مکتبه الخدمه تا القاعده»، *مجله راه نما*، ماهنامه مطالعات بین الملل و تروریسم، فروردین و اردیبهشت 91، ش 5 و 6. 4. امیدی، یدالله: *القاعده، ایلام: جوهر حیات*، 1390 ش. 5. زرقاوی، ابی مصعب: *کلمات المضيئه، شبکه البراق الاسلامیة*، 1427 ق. 6. بن لادن، اسامه: *ارشیف جامع الکلمات و خطابات شیخ اسامه*، برگرفته از *توحید و منبر*. 7. _____: *توجیهات المنهجیة*، برگرفته از *توحید و منبر*. 8. حسینی، اسحاق موسی: *اخوان المسلمین بزرگترین جنبش اسلامی*، ترجمه: خسروشاهی، تهران: موسسه اطلاعات، 1375 ش. 9. الظواهری، ایمن: *نخبة الاعلام الجهادی، الکتاب الجامع لکلمات و رسائل الشیخ*، برگرفته از *توحید و منبر*. 10. _____: *الولاء البراء، عقيدة منقولة و واقع مفقود*، بی جا، بی نا، 2002 م. 11. مستقیمی، بهرام: «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 40، پاییز 1389، ش 3. 12. برکن، پیترا: *اسامه بن لادن*، ترجمه: عباسقلی غفاری فرد، تهران: اطلاعات، 1390 ش. 13. ژیل کوپل: *پیامبر و فرعون*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: کیهان، چاپ سوم، 1382 ش. 14. سید قطب: *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران، بی نا، 1367 ش. 15. _____: *نشانه‌های راه*، ترجمه: محمود محمودی، تهران: احسان، 1390 ش. 16. _____: *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه: خسروشاهی، قم: مرکز البحوث العالمیه، 1381 ش. 17. _____: *ما چه می‌گوئیم*، هادی خسروشاهی، تهران: فرهنگ اسلامی، 1391 ش. 18. _____: *دراسات اسلامیه، بیروت: دارالشروق*، 2002 م. 19. _____: *معالم فی الطريق*، قاهره: الاتحاد الاسلامی العالمی، بی تا. 20. _____: *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه: سید محمد خامنه‌ای. 21. _____: *معرکتنا مع اليهود، بیروت: دارالشروق*، 1413 م. 22. عبدالرحیم علی: *حلف الارهاب تنظیم القاعده*، قاهره: مرکز المحروسه، 2003 م. 23. خواجه سروی، غلامرضا: *بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی*، تهران: دانشگاه امام صادق، 1390 ش. 24. اسماعیلی، حمیدرضا: *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: اندیشه سازان نور، 1386 ش. 25. عطوان، عبدالباری: *القاعده، تنظیم السری*، بیروت: دارالساقی، 2007 م. 26. کمیل طویل: *القاعده و خواهرانش*، تهران: اندیشه سازان نور، 1391 ش. 27. مرادی، مجید: «تقریر

گفتمان سید قطب»، نشریه علوم سیاسی، سال 1382، ش 21.28. دکمجیان، هر ایر: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه: حمید احمدی، تهران: کیهان، چاپ چهارم، 1383 ش. سایت‌ها: 29. www.tawhed.ws. 31. www.rah-nama.ir. 30. www.alsunnah.info